



گامی در جهت تئوریزه دیدگاه‌های آشفته

نظریه‌پردازی در باب سینمای دینی

مهرداد فرید

مقدمه:

تاکنون هم‌اندیشی‌های متعددی درباره سینمای دینی صورت پذیرفته و دیدگاه‌های گوناگونی ارائه شده است. اما کم‌تر سعی شده این دیدگاه‌های متشتت و گاه متضاد، تئوریزه شود. این نوشته با چنین هدفی نگاشته شده است.

شماره ۵: در انتهای سال ۱۳۷۵ کوششی از جانب نگارنده و آقای رضا سالک صورت گرفت و در خلال آن تمام سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها، مقالات و اظهارات درباره سینمای دینی و یا حتی سینمای مطلوب، مورد کنکاش قرار گرفت و سعی شد همه این دیدگاه‌ها در قالب "گویه‌هایی کوتاه تنظیم شود. سیاهه عظیمی از گویه‌ها فراهم شد که تشابه‌ها، تفاوت‌ها و تناقض‌های آشکاری در میان آنها به چشم می‌خورد اما به سادگی قابل تعبیر، تفسیر، دسته‌بندی و نظریه‌سازی نبود. فقط به استناد منابع این گویه‌ها می‌شد حدس زد که این دیدگاه‌ها در میان اهل اندیشه و هنر طرفدارانی دارد. اما این که شدت این طرفداری و تعداد طرفداران حول هر یک از این گویه‌ها چقدر است، پژوهشی بود که باید صورت می‌گرفت. مناسب‌ترین راه این بود که این دیدگاه‌ها با شیوه‌ای علمی به خود اهل نظر ارائه می‌شد و آراء آنان در این خصوص باز خواسته شده و سپس با تبیینی آماری جایگاه هر یک از این دیدگاه‌ها معین می‌شد.

گام نخست این پژوهش صورت گرفت. یعنی ابتدا گویه‌های حاوی این دیدگاه‌ها مشخص شد. و بعد به خلاصه‌ترین شکلی که به معنای موجود در آن لطمه نمی‌زد، نوشته شد. تعداد این گویه‌ها به ۳۹ عبارت رسا رسید. گام دوم این بود که این گویه‌ها به صورت پیمایشی در قالب پرسشنامه در میان نمونه جامعه آماری (یعنی اهل نظر و هنر) توزیع شود تا در طیف پنج درجه‌ای "لیکرت" (۱- کاملاً مخالفم ۲- مخالفم ۳- نه مخالفم و نه موافقم ۴- موافقم ۵- کاملاً موافقم) آراء آنان جمع‌آوری شود. که این مراحل نیز طی شد. افرادی که در نمونه انتخابی شرکت داشتند و در این افکار سنجی حاضر شدند، در عرصه‌های ذیل فعالیت دارند:

- ۱- منتقد فیلم ۵۹ نفر
- ۲- کارگردان ۴۴ نفر
- ۴- مدرس سینما ۱۷
- ۵- ممیزی سینما ۱۴ نفر
- ۶- تهیه کننده ۱۱ نفر
- ۷- روحانی ۱۰ نفر

به دلیل آن که تعدادی از افراد حاضر در نمونه آماری در بیش از یک عرصه فعالیت دارند جمعیت این نمونه ۱۴۰ نفر شد نه ۲۰۵ نفر.

گام دوم در این پژوهش نیز برداشته شد و آراء این ۱۴۰ نفر درباره دیدگاه‌های موجود جمع‌آوری شد. حاصل این آراء مجموعه‌ای از اعداد بود که می‌بایست آزمون‌های پیشرفته آماری بر آنها صورت می‌گرفت تا در نهایت با تبیین آماری، دیدگاه‌های مورد بررسی تحلیل و تفسیر شود و چنین شد. حاصل این بررسی‌ها اینکه کتابی شده است با نام "کنکاشی در سینمای دینی" که در دست انتشار است.

مقاله حاضر تفحصی دوباره در اعداد آن تحقیق است. تفحصی سوای آن کتاب که تکیه‌اش این بار بر آزمون پیشرفته تحلیل عاملی (Factor analyse) است. با انجام این آزمون بر ۳۹ گویه مزبور، ۱۲ عامل مورد شناسایی قرار گرفت که هر یک از آنها تعدادی از آن ۳۹ گویه را در ذیل خود جمع کردند. بازخوانی این گویه‌ها در ذیل هر کدام از این عامل‌ها ما را ناچار ساخت تا شش عامل از ۱۲ عامل را تحت عنوان "نظریات هنجاری" و شش عامل دیگر را تحت عنوان دیدگاه‌های "غیر هنجاری" بررسی کنیم. زیرا در مرحله معنایابی گویه‌های دسته‌بندی شده در ذیل شش عامل اخیر، تناقض‌های غیر قابل توجیه و تفسیری داشتند و نظریه‌سازی مبتنی بر این گویه‌ها را ناممکن می‌ساختند. در این بخش عامل‌های دوازده‌گانه را در دو مبحث نظریات هنجاری و دیدگاه‌های غیر هنجاری بررسی می‌کنیم.

نظریات هنجاری سینمای دینی

۱- نظریه ایده‌آلیستی: نخستین عاملی که در تحلیل عاملی به دست آمد جدول گویه‌های شماره (۱) را ارائه می‌کرد.

(جدول شماره ۱)

| ردیف | متن گویه | صرب همبستگی با نظریه ایده‌آلیستی |
|------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------|
| ۱- | ما چاره‌ای نداریم جز آن که سینما را یک بار دیگر در ادب و فرهنگ اسلام معنا کنیم و قابلیت‌های کشف نشده سینما را در جواب به فرهنگ و تاریخ خویش پیدا کنیم. | ۰/۶۹ |
| ۲- | اگر بپذیریم هر رسانه تنها قابلیت انتقال پیام‌های خاصی را دارد و سینما نیز علی‌رغم تغییرات صنعتی در تاریخ صدساله‌اش، ظرف مناسبی برای محتوای دینی نبوده است، بنابراین برای ایجاد سینمای دینی ابتدا باید صفت سینما مناسب با محتوای دینی تغییر کند. | ۰/۶۴ |
| ۳- | سینمای دینی نباید چنان نمادین و فرم‌گرایانه باشد که مردم نتوانند آن را درک کنند. | ۰/۶۶ |
| ۴- | سینمای دینی سرگرم کننده است اما سرگرمی هدف آن نیست و باید هشیار کننده و آگاه کننده باشد. | ۰/۶۳ |
| ۵- | سینمایی که فرهنگ ملی ما را ارائه کند، و خودآگاهی نسبت به هویت خودی ایجاد کند و مردم را از غفلت‌های تساریخی و سیاسی بیدار کند، دینی است. | ۰/۴۸ |

الف- این نظریه، سینما را با ساختار فعلی و مرسومش در دنیا نمی‌پذیرد و معتقد است باید برای سینما طرحی نو در انداخت.

ب- این نظریه در تعریف مجدد سینما بیش‌تر بر بایدها و نبایدها تکیه دارد. و به واقعیت‌هایی که به هست‌ها و نیست‌ها اشاره می‌کند، توجهی ندارد. در واقع این نظریه نگاهی ایدئولوژیک به سینما دارد.

ج- در این دیدگاه، سرگرمی که اساس سینمای غرب را تشکیل می‌دهد. و به نوعی اقتصاد سینمای جهان را سرپا نگاه می‌دارد اصل نیست بلکه فرعی است از هشیاری و آگاه‌کنندگی سینما. در این دیدگاه سینما اصولاً می‌بایست هشیار کننده باشد.

در نظریه فراگیر به پاسخ‌گو بودن دین به همه نیازهای بشری استناد می‌شود و مبتنی بر آن سینمای دینی را فراگیرتر از عرصه شعائر دینی معرفی می‌کند و معتقد است این سینما می‌تواند به همه عرصه‌های زندگی بشری سرگرم بکشد.

د- در این نظریه هیچ راهکاری برای رسیدن به این بایدها و نبایدها ارائه نشده و اغلب اهداف، متعالی و در دور دست ترسیم شده است. از همین منظر می‌شود این دیدگاه را ایده‌آلیستی فرض کرد.

ه- در این نظریه، ایجاد ارتباط با مردم، اصل تلقی شده و هیچ موضوعی نمی‌تواند این اصل را مخدوش کند.
۲- نظریه اخلاق‌گر؛ دومین فاکتوری که در تحلیل عاملی به دست آمد و قرار گرفتنش در میان نظریات هنجاری ممکن بود، جدول گویه‌های شماره (۲) را ارائه می‌کرد.

این دیدگاه سینما را ذاتاً شرور نمی‌داند بلکه معتقد است این ظرف می‌تواند مظلوف اخلاقیات را در خود نگهداری کند. این دیدگاه در نقد سینمای غرب، رسانه سینما را گناهکار نمی‌داند بلکه گناه‌پلیدی سینمای غرب را به گردن فرهنگ نفسانی غرب می‌اندازد. به این ترتیب

همان گونه که از جدول فوق مشهود است، گویه‌هایی در ذیل این نظریه جمع شده که معنای کاملاً ایده‌آلیستی از آن استخراج می‌شود. مبتنی بر همین عبارات داخل جدول می‌توان فهمید که:

این دیدگاه در مقابل گفته معروف مارشال مک لوهان قرار گرفته که می‌گوید "رسانه همان پیام است" مبتنی بر این دیدگاه، ظرف سینما، مظلوم خود را معین نمی‌کند بلکه هر مظلومی در این ظرف می‌تواند قرار بگیرد. برای همین با این گفته که سینما نمی‌تواند وارد قلمرو مفاهیم و عقاید شود، مخالف است و با آن

در دیدگاه 'ساده‌انگار' برای خلق فیلم دینی کافی است از یک طرف امور دینی و شعائر آن مستقیماً و در مقابل دوربین انجام شود و از طرف دیگر از نمایش سکس، فحشا و خشونت پرهیز شود.

همبستگی منفی دارد. حتی اگر سینما محصولی تکنولوژیک باشد، از نگاه این نظریه، هم می‌تواند احساس دینی را برانگیزد و هم تفکر دینی را و یا حتی برعکس! یعنی سینما می‌تواند تفکر و احساس ضد دینی نیز بیافریند.

گویه‌های موجود در جدول پیشنهاد می‌کند در ظرف سینما اخلاقیاتی چون راستی، درستکاری شجاعت، مقاومت، ظلم ستیزی و زندگی شرافتمندانه قرار بگیرد تا سینمای دینی متولد شود. به خاطر تأکید زیاد بر اخلاقیات است که ما آن را نظریه اخلاق‌گرا نامیده‌ایم.

۳- نظریه تأثیرگرا: این نظریه سومین فاکتوری است که در تحلیل عاملی به دست آمد. مجموعه گویه‌هایی که در ذیل این عامل جمع شده‌اند در جدول شماره (۳) منعکس شده است.

(جدول شماره ۳)

| ردیف | متن گویه | ضرب همسگی یا نظریه تأثیرگرا |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----------------------------|
| ۱- | سینمایی دینی است که ولو با نمایش گناه، تأثیر اخلاقی و دینی داشته باشد. | ۰/۷۸ |
| ۲- | در سینمای دینی ممکن است فرم ظاهراً غیر دینی باشد اما محتوا و تأثیر آن دینی باشد مثل داستان حضرت یوسف (ع) | ۰/۷۰ |
| ۳- | به فتوای علما، حکم حجاب در تصویر و تصویر متحرک با حجاب در عالم واقعیت، متفاوت است. بنابراین می‌توان در سینمای دینی با رعایت نکاتی، حجاب را رعایت نکرد. (مثل فیلم‌های خاکستر سبز، بازمانده و...) | ۰/۵۱ |
| ۴- | به دلیل آن که به عدد آدم‌ها، درک حقیقت متفاوت است، پس در سینمای دینی به همین میزان فیلم‌های حقیقت‌جویانه متفاوت وجود دارد. بنابراین نمی‌توان چارچوب‌های ایجابی برای آن قایل شد و باید تنها به چارچوب‌های سلبی که عرصه‌های غیر مجاز را دقیقاً معین می‌کند، اکتفا کرد. | ۰/۴۹ |

(جدول شماره ۲)

| ردیف | متن گویه | ضرب همسگی یا نظریه اخلاقی‌گرا |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------|
| ۱- | سینمای دینی باید نمایش دهنده واقعیات ظلم ستیزانه مردم رنج‌دیده باشد و راه و روش زندگی شرافتمندانه و آزاد منشانه را به مردم بیاموزد. | ۰/۷۸ |
| ۲- | سینمای دینی، ارزش‌هایی چون راستی، درستکاری، شجاعت و مقاومت را القا می‌کند. | ۰/۷۴ |
| ۳- | سینما ذاتاً ابزار شر و فساد نیست و سینمای ناسالم موجود در جهان، متأثر از فرهنگ نفسانی و شرک آلود غرب است. پس می‌توانیم با طرح مضامین اخلاقی سینمای دینی داشته باشیم. | ۰/۷۲ |
| ۴- | چون اثرات تکنولوژی در قلمرو عقاید و مفاهیم وارد نمی‌شود و تنها حالات احساسی را در افراد بر می‌انگیزد، لذا سینمای دینی نیز بیشتر قادر است احساس دینی را برانگیزد تا تفکر دینی را. | ۰/۶۱ |

در تمام گویه‌هایی که معرف این نظریه است، موضوع "نسبیت" به چشم می‌خورد. یعنی در این دیدگاه یکی از موضوعات محوری، نسبیت است. هم نمایش گناه، هم تأثیر آن بر افراد، هم رعایت ظواهر دینی در فرم، هم رعایت حجاب و بالاخره، درک افراد از حقیقت نسبی است و نسبت به افراد مختلف و با حالات گوناگون، متفاوت است. یعنی همه اینها می‌توانند حق باشند و یا باطل و یا ترکیبی از این دو با غلظت‌های مختلف! همه چیز بستگی به شرایط دارد. برای همین در محوری‌ترین گویه این نظریه که بالاترین ضریب همبستگی را نشان می‌دهد (۰/۷۸) به تأثیر در مخاطب اهمیت داده شده و رعایت ظواهر، بی‌اهمیت تلقی شده است. مثلاً از این دیدگاه عدم رعایت "حجاب" در سینما مشروط به تأثیر اخلاقی و یا دینی در مخاطب شده و که به موضوع امکان عدم رعایت حجاب اسلامی در سینما، از زاویه دید علمای اسلامی اشاره شده تا معلوم شود حتی از دیدگاه علمای اسلامی در نظریه "اخلاق‌گرا"، سینما مظلوف خود را معین نمی‌کند بلکه هر مظلوفی در این ظرف می‌تواند قرار بگیرد.

این نظریه نیز مانند نظریه اخلاق‌گرا در نقطه مقابل نظریه مک لوهان که می‌گوید "رسانه همان پیام است" قرار گرفته با این فرق که درباره سینما، افراطی‌تر از نظریه اخلاق‌گرا، قضاوت کرده است. اگر اخلاق‌گراها می‌گویند ظرف سینما می‌تواند مظلوفی به نام دین بپذیرد، هنرمندگراها می‌گویند نه تنها ظرف سینما مظلوف دین را می‌تواند بپذیرد، بلکه بهترین ظرف برای چنین مظلوفی به شمار می‌رود. با تکیه بر جدول شماره ۴ می‌توان به تفاوت دیگر این نظریه با نظریه اخلاق‌گرا اشاره کرد؛ در نظریه هنرمندگرا با طرح مضامین غیر اخلاقی برای عدم رعایت حجاب در سینما (مشروط به رعایت شرایطی) امکان‌پذیر است.

ورود "نسبیت" به عالم فیلمسازی به گونه‌ای خروج "محدودیت" را در پی دارد. برای همین وقتی در این دیدگاه راه کارهای اجرایی مطرح می‌شود، بلافاصله عدم محدودیت فیلمساز در چارچوب‌های ایجابی، خواسته می‌شود.

این دیدگاه، آزادی عمل فیلمساز را مشروط به ایجاد تأثیر دینی و اخلاقی در مخاطب کرده است. برای همین نام "تأثیرگرا" را برای این نظریه انتخاب کرده‌ایم.
۴- نظریه هنرمندگرا: چهارمین فاکتوری که از طریق تحلیل عاملی به دست آمد و تبیین تئوریک آن ممکن بود، دارای جدول گویه‌های شماره (۴) است:

(جدول شماره ۴)

| ردیف | گویه‌ها | ضریب همبستگی با نظریه هنرمندگرا |
|------|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|---------------------------------|
| ۱- | تصویری بودن سینما نباید ما را بر آن دارد که بپنداریم میان سینما و معنویت تعارضی آشتی‌ناپذیر وجود دارد این تصویر می‌تواند تماماً و مطلقاً در خدمت معنا باشد | ۰/۶۷ |
| ۲- | اگر این حقیقت داشته باشد که هدف اصلی هنر اسلامی بیان تغییر (و بازگشت پذیری همه چیز به سوی خدا) است هیچ فرم هنری‌ای بهتر از سینما نمی‌تواند این تغییر پذیری را نشان دهد. | ۰/۶۱ |
| ۳- | تا کسی به صورت نظری و عملی با مفاهیم دینی مانوس و آشنا نباشد نمی‌توان یک اثر عمیق و حقیقی دینی به وجود آورد. در واقع فیلم دینی تنها به وسیله فیلمساز دینی خلق می‌شود. | ۰/۶۵ |
| ۴- | سینمای دینی همانند معماری اسلامی نیازمند قالب‌های خاصی است که متناسب با فرهنگ و هنر ما باشد اما رسیدن به این قالب‌ها تحمیلی و بخشنامه‌ای نیست و به خلق خود جوش و درون‌گویی هنرمندان محتاج است. | ۰/۵۵ |
| ۵- | در سینمای دینی نمی‌توان برای فروش بیش‌تر، جاذبه‌های جنسی را به شکلی نجیبانه ارائه کرد. | ۰/۴۰ |

فروش بیش‌تر مخالفت شده تا جایی که طرح نجیبانه جاذبه‌های جنسی برای فروش بیش‌تر انکار شده است در حالی که در نظریه اخلاق‌گرا، علاوه بر مخالفت با طرح مضامین غیر اخلاقی بر مضامین اخلاقی اصرار شده است یعنی موضع این نظریه در خصوص اخلاق بر "نفی" غیر اخلاقیات است. در حالی که موضع نظریه اخلاق‌گرا بر "اثبات" اخلاقیات است.

آن چه این نظریه را ویژه کرده آن است که می‌گوید فیلم دینی تنها به وسیله فیلمساز دینی خلق می‌شود. به عبارت دیگر معتقد است باید فرد، سالک طریق دینی باشد و دین را در خود درونی کرده باشد تا متأثر و متناسب با شخصیت دینی خود، آثار هنری دینی خلق کند. مبتنی بر چنین دیدگاهی "هم سفارشی بودن" چنین سینمایی نفی می‌شود و هم "تحمیلی بودن" از بیرون! یعنی نه می‌توان فیلمساز را مجبور کرد و نه می‌توان وی را تطمیع کرد تا یک فیلم دینی بسازد. فیلمی که از این دو طریق ساخته شود ممکن است در ظواهر دینی باشد اما روح حاکم بر آن دینی و معنوی نخواهد بود و بر مخاطب اثر دینی نخواهد گذاشت.

۵- نظریه ساده‌نگار: در تحلیل عاملی یکی دیگر از فاکتورهایی که متولد شد، حاوی جدول گویه‌های (۵) بود:

(جدول شماره ۵)

| ردیف | متن گویه‌ها | ضریب همبستگی با نظریه ساده‌انگار |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|----------------------------------|
| ۱- | با پرداخت و نمایش مستقیم امور دینی و ارائه احکام شرعی با هدف تبلیغ مستقیم می‌توان به حیظه سینمای دینی رسید. | ۰/۵۳ |
| ۲- | سینمایی که عاری از سکس و خشونت باشد، دینی است. | ۰/۷۱ |
| ۳- | هر سینمایی که فاقد فحشا باشد، در جهت سینمای اسلامی گام برداشته است. یعنی در این سینما همه چیز غیر فحشا می‌تواند باشد. | ۰/۸۰ |

به استناد محتوای جدول شماره ۵، در چنین دیدگاهی سینمای دینی سهل‌الوصول است و به سادگی می‌توان فیلم دینی خلق کرد. کافی است از یک طرف امور دینی و

شعائر آن مستقیماً در مقابل دوربین انجام شود و از طرف دیگر از نمایش سکس، فحشا و خشونت پرهیز شود تا فیلم دینی ساخته شود. راهکار ایجاد چنین سینمایی هم برای سینماگر ساده است و هم برای ممیزی. هر دو می‌توانند بر ممیزی سلیبی و ایجابی واضحی پای فشاری کنند. در راستای چنین دیدگاهی در سال‌های اخیر جشنواره‌هایی از قبیل "نماز و فیلم فجر" برگزار شد تا در قبال نمایش نماز خواندن در هر فیلمی تشویقی صورت پذیرد. به خاطر عدم وجود پیچیدگی در چنین دیدگاهی و سهل‌الوصولی سینمای دینی در آن، نام نظریه ساده‌نگار را برای آن انتخاب کرده‌ایم.

۶- نظریه فراگیر: گویه‌های نظریه فراگیر که از طریق تحلیل عاملی به دست آمده در جدول شماره ۶

(جدول شماره ۶)

| ردیف | متن گویه‌ها | ضریب همبستگی با نظریه فراگیر |
|------|--------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|------------------------------|
| ۱- | سینمای دینی فقط مختص موضوعات آرمدار مذهبی نیست. با توجه به آن که دین پاسخ‌گوی نیازهای فطری، فردی و اجتماعی بشر است، سینمای دینی هم باید تمام این عرصه‌ها را در بر بگیرد. | ۰/۶۴ |
| ۲- | سینمای دینی نمی‌تواند فقط همان سینمای اسلامی باشد زیرا در این صورت کلاً وجود سینمای دینی در میان ملل غیر مسلمان نفی می‌شود. | ۰/۴۶ |
| ۳- | دین اسلام میل جنسی رامانند آیین مسیحیت فعلی، ذاتاً مذموم نمی‌داند و آن را در نجیبانه‌ترین شکلش (ازدواج) پدیده‌ای مبارک می‌داند بنابراین در سینمای دینی دلیلی برای پرهیز از این پدیده وجود ندارد. | ۰/۵۹ |
| ۴- | در سینمای دینی، زن عنصری حذف ناشدنی و حتی اساسی است. در این حیظه زن منبع عشق و عاطفه میان افراد خانواده و حتی می‌تواند مبداء عشق انتزاعی و عرفان الهی گردد. | ۰/۶۵ |

منعکس است.

بر اساس محتوای جدول شماره ۶ نظریه ششمی به وجود می‌آید که موضوعات مطرح در سینمای دینی را محدود به امور و شعائر دینی و یا داستان‌های مذهبی و تاریخی نمی‌داند. در این دیدگاه به پاسخ‌گو بودن دین به همه نیازهای بشری استناد می‌شود و مبتنی بر آن سینمای دینی را فراگیرتر از عرصه‌های خاص دینی معرفی می‌کند. در این نظریه سینمای دینی می‌تواند در همه عرصه‌های زندگی بشر سرک بکشد و به آن بپردازد.

در نظریه 'هنرمندگرا' هم 'سفارشی بودن' سینمای دینی نفی می‌شود و هم 'تحمیلی بودن' آن! فیلمی که از این دو طریق ساخته شود ممکن است در ظواهر دینی باشد اما روح حاکم بر آن دینی و معنوی نخواهد بود و بر مخاطب اثر دینی نخواهد گذاشت.

این نظریه حتی سینمای اسلامی را برای سینمای دینی محدوده‌ای تنگ می‌داند و معتقد است در این سینما دین به معنای عام آن مطرح است. فراگیری این نظریه چنان است که حتی خواستار ورود سینمای دینی در عرصه‌های ظاهراً ممنوع جنسی می‌شود. معتقد است میل جنسی از منظر دینی مذموم نیست و می‌توان به شکل نجیبانه‌ای آن را مطرح کرد و اثر معنوی مناسب در مخاطب گذاشت. این نظریه در مقابل دیدگاه سنتی محدود کننده‌ای که به زن در سینما با حساسیت و وسواس نگاه می‌کند، قرار می‌گیرد و حتی وجود عنصر زن را در تلطیف فیلم لازم می‌داند و آن را مبداء عشق انترجایی و عرفان الهی می‌داند. براساس این تعاریف عنوان 'فراگیر' برای چنین نظریه‌ای مناسب‌ترین نام است.

نظریات غیر هنجاری

تحلیل‌های عاملی در کنار شش عاملی که پیش از این در قالب نظریات هنجاری ارائه شد، شش عامل دیگر نیز معرفی کرد که سیزده گویه از ۳۹ گویه مورد بررسی را در خود جمع کرده بودند. این شش عامل با آن سیزده گویه، متضمن معانی هنجاری نمی‌شدند تا از خلال آن

معانی، نظریات هنجاری استخراج شود. برای همین به این شش عامل عنوان نظریات غیر هنجاری داده‌ایم. همان گونه که در جدول‌های هفت تا دوازده مشاهده خواهید کرد، گویه‌های جمع شده در ذیل هر کدام از این شش عامل جدید، هم از نظر تعداد ناکافی‌اند و هم از نظر معانی آشفته‌اند. به گونه‌ای که نمی‌توان آنها را با هم جمع

(جدول شماره ۷)

| ردیف | گویه‌ها | ضریب همبستگی |
|------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
| ۱- | سینمای دینی سبک و شیوه خاصی دارد که آن را از انواع دیگر (ژانرهای مثل وسترن، جنایی، کم‌دی و...) جدا می‌سازد. | ۰/۸۲ |
| ۲- | در سینمای دینی، عنصر تخیل، تنها در قلم و ساختار آزادانه دخالت دارد اما نمی‌توان تخیل را در محتوا و معنا آزاد گذاشت. | ۰/۶۶ |

کرد و مبتنی بر آن‌ها تفسیری تئوریک و نظری ارائه کرد. تنها می‌توان گفت طرفداران نظریات غیر هنجاری، ساختار مناسب و تئوریک ذهنی نداشته‌اند و بنابراین نتوانسته‌اند در مرحله ابراز نظر و رأی، دیدگاهی منسجم ارائه کنند. مجموعه این نظریات غیر هنجاری را در قالب جداول ششگانه ۷ تا ۱۲ در ذیل ارائه کرده‌ایم.

(جدول شماره ۸)

| ردیف | متن گویه‌ها | ضریب همبستگی |
|------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
| ۱- | هرهرمندی نمی‌تواند دینی باشد. هنرهای دینی، تنها آن دسته از هنرها هستند که از آغاز زادگاه و خاستگاهشان دینی و در جامعه دینی باشند و ساختار و محتوای هر دو متأثر از دین باشد. بر همین اساس سینما نمی‌تواند دینی باشد. | ۰/۷۱ |
| ۲- | سینما نیز همچون سایر ابزار تنها وسیله انتقال مفهوم است و نمی‌تواند در صدد نفی یا اثبات محتوای، خویش (مثل موضوعات دینی) بر آید. | ۰/۷۵ |

(جدول شماره ۹)

| ردیف | متن گویه‌ها | ضریب همبستگی |
|------|----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
| ۱- | سینما با واقعیت ملموس و عینی سروکار دارد پس راهی به نادیدنی‌ها از جمله متافیزیک ندارد | ۰/۶۴ |
| ۲ | اگر اخلاقی‌ترین داستان‌ها بدون مهارت تکنیکی در بیان و تسلط بر صناعت فیلمسازی مصور نبود، محصول کار نروماً سینمای دینی نیست. | ۰/۵۴ |
| ۳- | این گفته که فیلم دینی را فقط فیلمساز دیندار می‌تواند بسازد نمی‌تواند محرر به عمل به گزینش فیلمسازان دیندار از غیر دیندار شود. زیرا دینداری امری درونی است حال آن که معیارهای گزینشی تکیه بر ظاهراً افراد دارد. این پدیده حتی ممکن است منجر به رواج ریاکاری در فیلمسازان و فیلم‌ها شود. | ۰/۷۳ |

دیدگاه ایده‌آلیستی در سینمای دینی، سینما را با ساختار فعلی و مرسومش در دنیا نمی‌پذیرد و معتقد است باید برای سینما طرحی نو در انداخت

(جدول شماره ۱۰)

| ردیف | متن گویه‌ها | ضریب همبستگی |
|------|-------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
| ۱ | سینمای دینی می‌تواند با ساختار و فرم مناسب، هر موضوعی را دینی کند | ۰/۸۲ |
| ۲ | رباطت سینمای دینی اینست که با تعکاس ناهنجاری‌ها و پدیده‌های زشت جامعه موجب مهار آنها شود. | ۰/۵۱ |

(جدول شماره ۱۱)

| ردیف | متن گویه‌ها | ضریب همبستگی |
|------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
| ۱- | سینمایی که از دین به منظور تبلیغ مقاصد سیاسی استفاده می‌کند دینی نیست. | ۰/۸۰ |
| ۲- | همان‌طور که در عرصه ادبیات، تصویر سازی حقایق دینی با تشبیهاتی مانند خال، لب، زلف و غیره موفق بوده است، سینما نیز باید به دنبال تشبیهات و نمادهای مناسب با مضامین دینی باشد. | ۰/۵۱ |

(جدول شماره ۱۲)

| ردیف | متن گویه‌ها | ضریب همبستگی |
|------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|--------------|
| ۱- | می‌توان انتظار داشت که یک فیلم کلیه وجود دینی را شامل شود، بلکه هر فیلم می‌تواند تنها وجهی از دین و رفتار و زندگی فطری انسان را نشان دهد، پس صرفاً از مجموعه فیلم‌های دینی می‌توان انتظار سینمای دینی داشت. | ۰/۸۰ |
| ۲- | سینمای دینی از دو دیدگاه تعریف می‌شود یکی سینمایی که دین آن را تأیید می‌کند (مثلاً فیلم‌های آموزشی، خانوادگی و غیره) و دیگری سینمایی است که دین و مضامین دینی را به تصویر می‌کشد. | ۰/۵۲ |

۱- برای آشنایی بیشتر با این آزمون آماری، به کتاب‌های آمار استنباطی مراجعه شود.

۲- توضیح جدول: هر چه میزان ضریب همبستگی به یک نزدیک‌تر باشد، همبستگی گویه مربوطه با عامل مورد بحث (که در اینجا نظریه ایده‌آلیستی است) بیشتر است و هر چه به منفی یک نزدیک‌تر باشد، گویه مربوطه با عامل مورد بحث نسبت معکوس‌تری دارد.